

آتا، بابا سوزلری «ق» حرفی و فارسی ترجمه سی

قوناغ قوناغی سنومه ز ، ائو ییه سی هنج بیرین.

ق حرفی

فارداشلار ساواشیدی ابله لر ایناندی.

«برادرها باهم دعوا میکنند، ابلهان هم باور میکنند».

فارغادان قناری اولماز.

«کلاغ فقط یک کلاغ است و نمی توان آنرا به جای قناری جا زد(نمی توان ذات و جوهره افراد را تغییر داد)».

فارقشئن یکی باشی اولار.

«نفرین دو سر دارد».

قازان قازانا دنیر دیین قارا دیر.

«دیگ به دیگ میگه کونت سیاه است (کسی که عیب دارد عیب دیگری را می گیرد)».

قافا اولمایان پترده ایدیه قافا ده بیل لر.

«قناعت کردن».

قانمئرام قالاسان پانا پانا.

(نمی خواهم بفهمم تا بسوزی).

قلم، قنلنجدان اینی دیر.

«قلم، از شمشیر تیزتر است».

فورخموش آداما قویون باشین قورت گورر.

«مار گزیده از ریسمان سیاه و سفید میترسد».

قورد بالاسی ، قورد اولار.

«عاقبت گرگ زاده گرگ شود گرچه با آدمی بزرگ شود».

قورد دومانلنغی سنوه ر.

«گرگ از پراکندگی، بلبشویی و مه آلودی خوشش می آید تا از فرصت بوجود آمده بتواند به اهداف پلیدش دست یابد».

قوردون سلامی طمع سیز اولماز.

«سلام گرگ بی طمع نیست».

قوناغ ائو ییه سی نین دوه سی دیر.

«مهمان شتر صاحبخانه است».

قوناغ قوناغی سنومه ز ، ائو ییه سی هنج بیرین.

«مهمون، مهمونو نمیتونه ببینه صاحبخونه هردو را».

قونشو آشی دادلی اولار.

« مرغ همسایه غازه».

قنزئم سنه دیریم گلینیم سن اشید.

«دخترم به تو میگم، عروسم تو بشنو(به در میگم دیوار بشنوه)».

